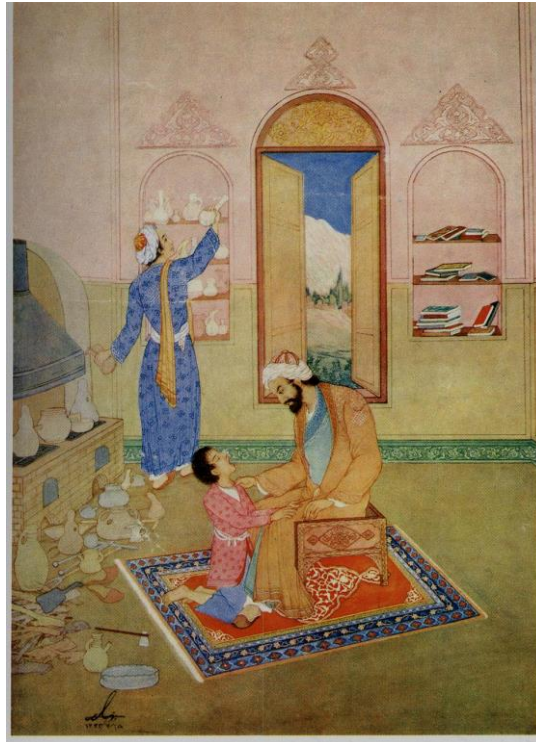


سخن سردبیر



تصویر خیالی از رازی به هنگام معاینه و درمان یکی از بیماران

محمدبن زکریای رازی، طبق اسناد موجود، در ششم شهریور ۲۴۴ هجری شمسی در ری که یکی از بلاد پهناور ایران بوده است متولد گردیده و زادروز پربرکت او به نام «روز داروسازی»، نامگذاری شده است. آن گونه که در کتاب تاریخ پزشکی بعد از اسلام آمده است؛ رازی معتقد بوده که «آنچه را که پزشکان بر آن متفق القول باشند و با قیاس نیز تطبیق کند و تجربه آن را تأیید نماید باید پیوسته به عنوان یک اصل، در نظر گرفته شود.»

همچنین توجه به شرح حال بیماران و علائم و نشانه‌های بیماری و ثبت آنها در پرونده بیماران از ویژگی‌های بارز این حکیم فرزانه بوده است و حضور وی آنقدر در بیمارستان، پررنگ و مؤثر بوده است که به «طبيب بیمارستانی» لقب یافته و جالب توجه است که در حلقه درس وی و تشخیص‌های بالینی ابتدا فراگیران تازه‌کار، سپس کسانی که سابقه بیشتری داشته‌اند و نهایتاً دانشجویان باسابقه، به معاینه، اظهارنظر و تشخیص می‌پرداخته‌اند و قضاوت و نظر نهایی با استاد بوده است.

رازی مردی خوش‌خوی و کریم‌النفس و خوش قریحه و دقیق بوده است و نسبت به بیماران، رئوف و مهربان و دقیق و به همین دلیل، از وجهه مردمی بالایی برخوردار بوده است. به عبارت دیگر بیش از آنکه طبیب دربار باشد به طبابت مردم عادی اشتغال داشته است و از نقطه‌نظر رعایت حقوق بیماران، همه کس را لایق طبابت نمی‌دانسته و معتقد بوده که طبیب در جامعه عهده‌دار بار گرانی است که باید آن را صحیح و سالم به منزل برساند.

دکتر الگود در کتاب تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی می‌نویسد: در بین پزشکان مشهور عرب یا ایرانی فقط یک نفر هست که با ابوعلی سینا قابل مقایسه است و آن محمدبن زکریا است که در غرب به نام «Rhazes» و در میان هموطنان خود به نام محمدبن زکریای رازی مشهور است و آثار طبیبی رازی در ردیف مهمترین آثار مکتب پزشکی قرار دارد و در میان آنها کتابی که از نظر اهمیت فایده بر سایرین مقدم است کتاب الحاوی است. و آن‌گونه که در «کتاب فیلسوف ری» آمده است؛ رازی می‌نویسد: «اما علاقه من به دانش و حرص و اجتهادی را که در اندوختن آن داشته‌ام آنان که معاشر من بوده‌اند می‌دانند و دیده‌اند که چگونه از ایام جوانی تاکنون عمر خود را وقف آن کرده‌ام

تا آنجا که اگر چنین اتفاق می‌افتاد که کتابی را نخوانده و یا دانشمندی را ملاقات نکرده بودم تا از این کار فراغت نمی‌یافتم به امری دیگر نمی‌پرداختم و اگر هم درین مرحله ضرری عظیم در پیش بود تا آن کتاب را نمی‌خواندم و از آن دانشمند استفاده نمی‌کردم از پای نمی‌نشستم و حوصله و جهد من در طلب دانش تا آن حد بود که در یک فن بخصوص به خط تعویذ (یعنی خط مقرمط و ریز) بیش از بیست هزار ورقه چیز نوشته و پانزده سال از عمر خود را شب و روز در تألیف جامع کبیر (همان حاوی) صرف کرده‌ام و بر اثر همین کار قوه بینایی‌ام را ضعف دست داده و عضله دستم گرفتار سستی شده و از خواندن و نوشتن محروم ساختم است با این حال از طلب باز نمانده‌ام و پیوسته به یاری این و آن می‌خوانم و بر دست ایشان می‌نویسم.»

رازی در اخلاق معتقد به زهد و ترک دنیا و انزوا نبوده و معتقد بوده است که فرد باید در حیات اجتماعی شرکت کند و از فرو رفتن در شهوات خودداری نماید و از هر چیزی به مقداری که حاجت جسم است و کاری که در آن غم بیشتر از لذت است نکند. لذت در باور رازی عبارت است از بازگشت به حالت طبیعی پس از خروج از آن. رازی بر آن است که باید از لذات جسمانی بیش از آنکه حاجت جسم بدان‌ها است چشم‌پوشیم و باید سعی خود را مصروف تشبه به خداوند از طریق علم و عدل کنیم.

وی در خصوص رابطه خرد و اخلاق، معتقد بوده که «چون خرد را چنین ارج و پایه و مایه و شکوهی است سزاوار است که مقامش را به پستی نکشانیم و از پایگاهش فرود نیاوریم، بلکه باید در هر باره بدان روی نماییم و حرمتش گذاریم، همواره بر آن تکیه کنیم، کارهای خود را موافق آن تدبیر کنیم و به صواب دید آن دست از کار بکشیم. هیچگاه نباید هوی و هوس را بر آن چیرگی دهیم زیرا

هوی آفت و مایه تیرگی خرد است و آن را از سنت و راه و غایت و راستروی خود به دور می‌راند و خردمند را از رشد و آنچه صلاح حال اوست باز می‌دارد. برعکس، باید هوی را ریاضت دهیم، خوارش کنیم، و مجبور و وادارش سازیم که از امر و نهی خرد فرمان برد. اگر چنین کنیم خرد بر ما هویدا می‌شود و با تمام روشنایی خود ما را نور باران می‌کند و به نیل آنچه خواستار آنیم می‌کشاند. از بهره‌ای که خدا از خرد بما بخشیده و بدان بر ما منت گذاشته است نیکبختیم.»

سردبیر